



گل‌واژه‌های حجاب، عفاف و کرامت

حجة الاسلام و المسلمین جواد محدثی
پژوهشگر و نویسنده از حوزه علمیه قم

مقدمه:

ما بیش از هر چیز در زندگی، نیازمند «چراغ ایمان» و «عصای پروا» و «سپر خودسازی» و «چشمان آگاه و عبرت بین» هستیم، تا بتوانیم از پیچ و خم راه‌های زندگی به سلامت بگذریم و در کام بدبختی و دام فساد و گناه گرفتار نشویم.

دستورات کارآمد قرآن کریم و سیره‌ی انسان‌ساز معصومین (علیهم السلام) چراغ راهمان و آینه‌ی زلالی است که بسیاری از حقیقت‌ها را می‌توانیم در آن ببینیم و با «بصیرت» از افق‌های غبارآلوده و هول‌انگیز بگذریم.

باری! هر چند زمینه‌های رشد و تعالی، امکانات تزکیه و تهذیب، مراکز ارشاد و هدایت، انسان‌های دلسوز و متعهد و برنامه‌های مفید و





سازنده در پیرامون ما فراوان است و اگر بخواهیم می‌توانند ما را بیش از پیش به گوهر عفاف و پاکی و کرامت برسانند، ولی بیش از اینها، جاذبه‌های گناه، وسوسه انگیزان و دام‌های اغواگر و آنتن‌های فریب و فیلم‌های دجال‌گونه و فریبندگی‌های آزادی و بی‌قیدی و خدا فراموشی و در نتیجه خود فراموشی وجود دارد و ما هر لحظه بر سر دو راهی «فسق» و «فلاح» ایستاده ایم و در اندیشه‌ی انتخاب، گاهی تردید در گزینش و دریغ بر آن‌کس، که ارزش «گوهر عفاف و پاکی و کرامت» را نشاسد و بدی را انتخاب کند!

مصونیت حجاب:

اگر پاکدامنی را گوهری ارزنده بدانیم، با هزاران چشم باید مراقبش باشیم. اگر رشته‌ی مروارید را در کمد و صندوق نگذرانند و در آن را نبندند گم می‌شود، صاحبان گنج و گوهر، جواهرات خود را در معرض رهگذران نمی‌گذارند تا بدرخشد و جلوه کند و چشم و دل بر باید بلکه یک سیستم حفاظتی و ایمنی تعریف و اجرا می‌کنند تا مبادا جواهر آنها ربوده شود. اگر باغبانی، سرمایه‌ی عمرش را که در «محصول باغ» خلاصه می‌شود، محافظت کند، کسی او را بر این حد و حریم و حفاظ نهادن سرزنش نمی‌کند بلکه او را تحسین می‌کنند، هیچ‌کس هم به نام آزادی دیوار خانه خود را بر نمی‌دارد و شب‌ها در حیاطش را باز نمی‌گذارد، چون ممکن است دزدی رخنه کند و اموالش را به یغما ببرد.

روش خردمندانه این است که هر چیزی قیمتی‌تر باشد درصد مراقبت از آن بالاتر می‌رود و هر چه نفیس‌تر باشد، بیم ربودن و خوف غارتش بیشتر است، بنابراین، مواظبت از آن، لازم‌تر و این سخن استاد شهید مطهری چه زیباست که (حجاب، مصونیت است نه محدودیت) وقتی شما در خانه‌ی خود را می‌بندید یا پشت پنجره اتاقتان پرده می‌آویزید یا در منزل خویش را قفل می‌کنید، خانه و آرامشگاه خود را از ورود بیگانه و نگاه‌های مزاحم در پناه و امنیت قرار داده‌اید نه که خود را در قید و بند حصار افکنده باشید.

آن‌ان که حجاب را بر می‌گزینند، می‌خواهند «گوهر عفاف» خود را از تاراج مصون نگه دارند، این کار را با اختیار و انگیزه انجام می‌دهند و بر



گزینش خود هم می‌بالند، چون راهی را می‌پویند که به ایمنی خودشان و فقط سرمایه شان منتهی می‌شود.

دختران و بانوان فرزانه و فهیم را کسی به زور درحجاب، نگه نمی‌دارد، بلکه خودشان با اختیار، حجاب را برای محفوظ ماندن عفاف و شخصیت و حرمتشان از نگاه‌های هوس‌آلود و نیت‌های آلوده به عنوان حصاری ایمن بر می‌گزینند. (۱)

این حجاب آگاهانه و انتخابی، نشان شخصیت یک خانم است که دوست ندارد ملعبه‌ی این و آن قرار گیرد و چشم‌های شهوت‌آلود، از چهره و اندام و روی و موی او کامجویی کنند و ارضاء شوند. (۲)

عطر عفاف:

عفاف، هم‌گوه‌ری درونی است و هم جلوه‌ای برونی و بیرونی دارد و این جلوه‌ی بیرونی است که آن جلوه‌ی باطنی و برونی را محفوظ نگاه می‌دارد. اینکه می‌گویند «دل باید پاک باشد» بهانه‌ای برای گریز جاهلانه از همین مصونیت است و آویختن به شاخه «لاقیدی» و گرنه از دل پاک هم نباید جز «نگاه پاک و رفتار پاک و ظاهر پاک و طاهر»، برخیزد و برآید، ظاهر، آینه‌ی باطن است و حجاب بیرونی، نمای آشکار آن طهارت و عفاف درونی است. (۳)

معروف است که اگر در شیشه عطر را باز بگذارند، عطرش می‌پرد و این سخن جالبی است؛ رایحه‌ی دل انگیز عطر را نباید حراج کرد و به تاراج داد؛ چرا که عصاره‌ی گل‌های عالم است و کمیاب و ارزشمند، پس باید قدرش را شناخت و از آن حفاظت کرد.

عفاف، همان رایحه‌ی دل انگیز عطر یاس را دارد، نجیب و دوست داشتنی، و حیف است که درمزبله‌ی نگاه‌های شیطانی رها شود. اگر برای ایمنی از خطرها و آسودگی از مزاحمان، خود را بیوشانی کسی ایراد نمی‌گیرد و اگر هم ایراد بگیرد، اعتنا نمی‌کند چون سخنش را بی منطق و ناآگاهانه می‌دانی. (۴)

زیبایی کرامت

زن، به جهت عصمت و کرامتی که دارد و میراث دار مریم (سلام الله علیها) و فاطمه (سلام الله علیها) است، نباید بازپچه‌ی هوس شود و به ویروس گناه‌آلوده گردد. گوهر عفاف و پاکدامنی کم‌ارزش‌تر از طلا و

- ۱- این موضوع اشاره دارد به آیه ۳۱ سوره نور قرآن کریم
- ۲- وسائل الشیعه، ج ۱۴ صفحه ۱۹
- ۳- تفسیر المیزان، ج ۱۶، صفحه ۳۶۱
- ۴- سوره احزاب، آیه ۵۹.

پول و محصول باغ و وسایل خانه نیست. دزدان ایمان و غارتگران شرف نیز فراوان اند که در کمین نشسته‌اند.

زن، به خاطر ارزش و کرامتی که دارد باید محفوظ بماند و خود را حراج نکند و در بازار سوداگران شهوت، خود را به بهای چند نامه و نگاه و لبخند نفروشد.

زن، به خاطر لطافتی که دارد نباید در دست‌های خشن کامجویان دیو سیرت که نقاب مهربانی و عشق به چهره دارند، پژمرده شود و پس از آن که گل عصمتش را چیدند و زیبایی کرامت او را از بین بردند او را دور اندازند، یا زیر پایشان له کنند.

سادگی و خامی است که کسی خود را در معرض دید و تماشای نگاه‌های مسموم و چشم‌های ناپاک قرار دهد و به دلبری و جلوه‌گری و طنازی بپردازد و خیال کند همیشه در این بازی برنده است؛ به غلط می‌اندیشد که بیمار دلان و رهنان عفاف، او را به وسوسه نمی‌اندازند و می‌تواند از زهر نگاه‌ها و نیش پشه‌های شهوت، در امان بماند.

آن که «ایمان» را به لقمه‌ای نان می‌فروشد، آن که «یوسف زیبایی» را با چند سکه‌ی قلب، عوض می‌کند آن که «کودک عفاف» را جلوی صدها گرگ‌گرسنه می‌برد و به تماشا می‌گذارد، روزی هم «پشت دیوار ندامت» خواهد نشست و اشک ندامت بر دامن حسرت خواهد ریخت و سرانجام در آخرت هم، به آتش بی پروایی خود خواهد سوخت.

از اوّل که جامه‌ی عفاف به زیبایی کرامت مژگین و سفید و شفاف است، نباید گذاشت چرکابه‌ی گناه و معصیت بر آن بپاشد. از اوّل باید مواظب بود که پای ویرانه به مزرعه نجابت باز نشود تا بوته‌های نورس عصمت را لگد مال کند.

چرا برخی‌ها شرط «احتیاط» را از دست می‌دهند و خود را در معرض بارش ترکش‌های خطرناک قرار می‌دهند؟ آیا این همه افراد ترکش خورده از نگاه‌های مسموم و ارتباط‌های آلوده برای عبرت کافی نیست؟

سخن آخر آن که: چنان نیست که هر کس به آزادی‌های حرام و ارتباط‌های آلوده و هوسناک تن ندهد، عقب افتاده و ضعیف و بی‌دست و پا باشد، بر عکس، هنرمند کسی است که بتواند خود را ننگه دارد و هنر و قدرت پاک زیستن را داشته باشد و گرنه گناه و آلودگی که هنر نیست.

